

## گزارش تحلیلی: نگاهی به آخرین تحولات روند صلح خاورمیانه

نویسنده: حسین جابر انصاری

روند مذاکرات صلح خاورمیانه از هنگام روی کار آمدن دولت دست راستی نتانیا هو و سیاستهای فرا افراطی وی، نه تنها دچار تحول و پیشرفت مثبتی نگردیده بلکه با مشکلات اساسی و عقبگرد جدی روبرو شده است. این مقاله می‌کوشد با طرح اصول کلی سیاستهای جدید نتانیا هو، راهبردها و راهکارهای اجرایی مورد نظر دولت جدید اسرائیل را در برخورد با مسأله صلح به صورتی اجمالی مورد بررسی قرار دهد و پس از بیان آخرین تحولات روند صلح به جمع‌بندی این تحولات و پیش‌بینی آینده در حد امکان بپردازد.

### ۱) اصول کلی سیاست نتانیا هو در زمینه صلح با کشورهای عربی

- مخالفت با فرمول محوری کنفرانس صلح مادرید یعنی اصل صلح در برابر زمین.
- طرح مفهوم جدیدی از صلح مبتنی بر فرمول صلح در برابر صلح.

### ۲) راهبردها و راهکارهای اجرایی

#### الف - در بعد فلسطینی

- مخالفت با تشکیل دولت مستقل فلسطینی.
- مخالفت با بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمینهای اشغالی.
- مخالفت با تقسیم قدس و تأکید بر یکپارچگی قدس تحت حاکمیت اسرائیل.
- مخالفت با توقف گسترش شهرکهای یهودی‌نشین.

- موافقت با اعطای نوعی خودگردانی محدود به ساکنان بخشهایی از سرزمینهای اشغالی در جنگ ۱۹۶۷، در چارچوب مرزهای اسرائیل.

#### ب - در بعد سوری

- مخالفت با بازپس دادن جولان به سوریه.

#### ج - در بعد لبنانی

- منوط کردن با خروج نیروهای اسرائیل از جنوب اشغالی لبنان مشروط به خلع سلاح حزب... لبنان، استقرار ارتش لبنان در جنوب و ادغام نیروهای ارتش جنوب لبنان (نیروهای لحد) در ارتش لبنان.

#### ۳) وضعیت فعلی روابط طرفهای عربی و اسرائیل

در چنین بستری روند روابط اسرائیل با تمامی طرفهای عربی در چند ماه گذشته دچار بحران و یا دست کم رکود گشته است:

#### الف - روابط با فلسطینی‌ها

دولت نتانیاهو در چارچوب اصول راهبردی پیشگفته از هنگام آغاز به کار تاکنون، راهکارهای اجرایی زیر را در ارتباط با فلسطینی‌ها اتخاذ کرده است:

- تأکید بر لزوم حصول توافق در مورد تمام مسائل جدید و همچنین توافقات اجرا نشده قبلی از جمله در ارتباط با عقب‌نشینی از الخلیل.

- لغو مصوبه دولت قبلی مبنی بر توقف شهرک سازی در مناطق فلسطینی با این استدلال که این مسأله در توافقات اسلو ممنوع شناخته نشده است.

- تغییرات عملی در قدس و مکانهای مقدسه آن از جمله بازگشایی تونل زیر مسجدالاقصی (که مطابق مصوبه دولتهای قبلی و به دلیل حساسیت طرف عربی، فلسطینی مسدود نشده بود) و مصوبه ساخت شهرک یهودی‌نشین در منطقه ابوغنیم واقع در قدس شرقی.

مجموعه این اصول راهبردی و راهکارهای اجرایی، طرف فلسطینی را در سطوح مردمی و حتی رسمی در مقابل تنها یک انتخاب یعنی انتخاب آخر قرار داد. بروز انتفاضه مردمی در واکنش به بازگشایی تونل مسجد الاقصی و ایجاد شهرک ابوغنیم که در مورد نخست به شهادت ده‌ها فلسطینی و هلاکت چند سرباز اسرائیلی منجر شد، جمع‌بندی طرف فلسطینی از وضعیت جدید بود. اگر چه در پرتو این تحولات و یا تلاش‌های فشرده طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، روند صلح بویژه آمریکا مذاکرات طرفین فلسطینی و اسرائیلی درباره توافقنامه الخلیل سرانجام و پس از چند ماه توقف و رکود با اعمال برخی اصلاحات مورد درخواست طرف اسرائیلی در متن قرار داد قبلی امضا شده توسط فلسطینی‌ها و دولت سابق اسرائیل به نتیجه رسید و عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از بخش‌های عمده‌ای از شهر الخلیل صورت گرفت اما به دلیل همان راهکارها و راهبردهای مورد نظر اسرائیل، توافقات مربوط به تداوم روند عقب‌نشینی از مناطق ب و ج (مناطق روستایی و مناطق تجمع ارتش اسرائیل در کرانه باختری و نوار غزه مطابق تقسیم‌بندی توافقات اسلو) عملاً به اجرا درنیامد و روند صلح فلسطینی از هنگام توافق الخلیل تا به حال دچار رکود و توقف شده است.

در واکنش و اعتراض به ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین در ابوغنیم (قدس شرقی) طرف فلسطینی مذاکرات (حکومت خودگردان) با اعلام توقف تمام مذاکرات با طرف اسرائیلی و بطور همزمان، اقدام به گفتگوهای ملی با تمام گروه‌های فلسطینی کرد. اگر چه این گفتگوها که با مشارکت حماس (بزرگترین گروه اسلامی حاضر در عرضه فلسطین) و گروه‌های ملی همچون گروه‌های تحت رهبری جرح حبش و نایف حواتمه و مخالفت گروه جهاد اسلامی روبرو شد، تحولاتی در صحنه داخلی فلسطین پدید آورد اما تلاش دولت خودگردان برای تنظیم این تحول در چهارچوب نیازهای منطقه‌ای و بین‌المللی خود در راستای پیشبرد روند سابق صلح همچنان با واکنش مخالفت حماس روبرو شد و این گفتگوها نیز عملاً به پیشرفت قابل توجهی دست نیافت. در مجموع در حال حاضر به رغم برخی تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روند مذاکرات فلسطینی - اسرائیلی دچار توقف و رکود شده است و به دلیل اصرار طرف فلسطینی بر توقف ساخت شهرک ابوغنیم به عنوان پیش شرط شروع مجدد مذاکرات طرفین و در مقابل

اصرار طرف اسرائیلی بر تداوم ساخت این شهرک و غیر قابل مذاکره بودن حاکمیت اسرائیل بر کل شهر قدس (شرقی - غربی) چشم‌انداز تحول جدیدی در این زمینه مشاهده نمی‌شود.

#### ب) روابط با سوریه

با اعلام مخالفت نتانیاهو برای خروج از جولان، عملاً نتیجه‌ای جز توقف روند مذاکرات سوری اسرائیلی انتظار نمی‌رفت. این مسأله وقتی ابعاد جدی‌تر به خود گرفت که نخست در رسانه‌های گروهی و سیاسی و آنگاه در سطوح رسمی در سوریه، اسرائیل، آمریکا و مصر اعلام شد دولت پرز پیش از انتخابات اخیر اسرائیل با سوریه بر سر خروج اسرائیل از جولان تا مرزهای جنگ ۱۹۶۷ به توافقی شفاهی رسیده بود. دولت اسرائیل در واکنش به این خبر اعلام کرد نسبت به توافقات شفاهی و غیر کتبی متعهد نیست و تنها در صورتی که سوریه بدون هیچ پیش شرطی حاضر به مذاکره باشد اسرائیل نیز حاضر به مذاکرات صلح با سوریه خواهد شد. چنین موضعی به معنای شروع مجدد مذاکرات از نقطه صفر بود و طبیعتاً با مخالفت سوریه روبرو می‌شد. سوریه معتقد است مذاکرات صلح با اسرائیل باید از همان نقطه‌ای که قطع شده مجدداً آغاز شود. با تأکید طرفین بر مواضع خود از آغاز روی کار آمدن دولت نتانیاهو تا به امروز هیچ تحول جدی در مسیر مذاکرات دو طرف ایجاد نشده و گفتگوهای صلح از سر گرفته نشده است.

#### ج) روابط با لبنان

نتانیاهو از آغاز حکومت خود با ارائه طرح لبنان اولاً کوشیده است با جدا کردن لبنان از سوریه، ضمن تحمیل شرایط خود به لبنان و سوریه عملاً با نوعی عقب‌نشینی آبرومندانه از جنوب لبنان، هم مشکلات امنیتی اسرائیل از ناحیه لبنان را حل و هم ارتش خود را از جنگ فرسایشی با مقاومت اسلامی لبنان رها کند و در عین حال صلح‌طلبی خود را نیز در افکار عمومی و بین‌المللی تبلیغ نماید، در این مدت برخی مقامات اسرائیلی و از جمله وزیر امنیت داخلی اسرائیل (افیغد ورکه‌لانی) طرحهایی برای عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان و جایگزینی نیروهای حافظ صلح از کشورهای اردن

گزارش تحلیلی: نگاهی به آخرین تحولات روند صلح خاورمیانه \_\_\_\_\_ ۵

و مصر و یا اتخاذ تدابیر جایگزین دیگری را ارائه داده است اما مخالفت مقامات لبنان با طرح‌های اسرائیل، که خود حاصل نقش محوری و تعیین کننده سوریه در این کشور است، عملاً این تلاشها را با بن‌بست روبرو کرده است. با این وصف به نظر می‌رسد مسأله لبنان همچنان در آینده نیز تابعی از چگونگی روابط سوریه - اسرائیل باشد.

#### د) روابط با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

در پی تحولات پس از جنگ دوم خلیج فارس و برگزاری کنفرانس صلح مادرید، که به آغاز روند به اصطلاح صلح خاورمیانه انجامید، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز در واکنش به این تحولات و در پاسخ به فشارهای آمریکا با اختصاص کمک مالی به طرح غزه - اریحا و لغو تحریم درجه یک و دو به صورت غیرفعال در فرایند سازش مشارکت جستند اما در برخورد فعال با این روند دچار افتراق و دودستگی شدند که حاصل آن، ایجاد یک قطب‌بندی دوگانه میان اعضای شورا در موضوع چگونگی برخورد فعال با روند سازش بود.

دو کشور عمان و قطر به صورت فعال به جمع کشورهای هَرُؤله کننده به سمت اسرائیل پیوستند و عربستان و کویت به سیاست محافظه کارانه خود در این رابطه ادامه دادند. افکار عمومی مخالف با روند سازش، تضادهای مردمی و دولتی باساف به دلیل همدستی با عراق در اشغال کویت و پایبندی به تقویت موضع سوریه از طریق عدم مشارکت در مذاکرات چند جانبه و عادی سازی روابط با اسرائیل، عوامل و دلایل اصلی تداوم رویکرد محافظه کارانه عربستان و کویت در برخورد با روند سازش بود.

اما در قطب دیگر شورای همکاری خلیج فارس دو کشور عمان و قطر با میزبانی دو اجلاس جانبی فرایند به اصطلاح صلح؛ کنفرانس آب در عمان و کنفرانس خلع سلاح در قطر و همراهی فعال با مجموعه روند مذاکرات سازش به عادی سازی گسترده روابط با اسرائیل دست زدند. دیدار شیمون پرز نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی از دو کشور عمان و قطر در اوایل سال پیش میلادی (فروردین ۱۳۷۵) و توافقات طرفین به منظور گشایش نمایندگیهای تجاری در تل‌آویو، دوحه و مسقط و همچنین همکاری در خصوص طرح‌های پژوهشی مشترک صحرائی، بهره‌گیری از آب شور و تبادل توریست، نقطه اوج

این روابط بود.

دستاویز دو کشور عمان و قطر در گسترش بی‌پروای روابط با اسرائیل، پیشرفت در روند عمومی صلح و روند دو جانبه صلح میان اسرائیل و فلسطینی‌ها (بویژه) و همچنین توافقات غیر علنی و تدریجی میان سوریه و اسرائیل بود (بنابه ادعای مقامات عمان و قطر) اما پس از تهاجم وحشیانه اسرائیل به لبنان (جنگ آوریل ۹۶) و بویژه پس از وقوع فاجعه قانا، که بسرعت با نتایج غیر منتظره انتخابات پارلمانی و نخست‌وزیری اسرائیل و روی کار آمدن نتانیاهو همراه شد، قطر و عمان حتی اگر می‌خواستند نیز نمی‌توانستند از جو عمومی کشورهای عربی در مخالفت با دولت جدید اسرائیل تأثیر نپذیرند. از همین رو این دو کشور حداقل از آهنگ علنی گسترش روابط با اسرائیل کاستند و با مواضع اعلام شده کنفرانس سران قاهره مبنی بر ضرورت حصول پیشرفت در روند صلح میان اسرائیل و فلسطینی‌ها و سوریه به عنوان پیش زمینه تداوم روند عادی سازی روابط دیگر کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی هماهنگ شدند. در حال حاضر عمان و قطر با اعلام به تعویق انداختن گشایش دفترهای تجاری خود در تل‌آویو تا هنگام حصول پیشرفت در روند عمومی صلح و قبول الزامات آن از جمله در مورد اصل صلح در برابر زمین توسط اسرائیل عملاً چنین سیاستی را به اجرا گذاشته‌اند. با این تحولات شکاف موجود در چگونگی برخورد اعضای شورای همکاری خلیج فارس با روند سازش، لاقابل به لحاظ شکلی و صوری کاهش یافته است؛ اگر چه انجام برخی تحرکات دیگر توسط عمان و قطر از جمله برگزاری نمایشگاه تجهیزات امنیتی، پلیسی با حضور علنی چهار شرکت بزرگ اسرائیلی در دوحه تعدیل‌کننده این جمع‌بندی است.

#### ۴) نظریه

اکنون سؤالی که پیش روی تمامی سیاستمداران و تحلیلگران سیاسی منطقه قرار دارد، پیش‌بینی سمت و سوی آینده تحولات روند صلح و تداوم یا عدم تداوم روند سابق آن مبتنی بر اصل صلح در برابری زمین است. در این جهت در مجموع دو دیدگاه عمده مطرح است:

#### ۴-۱) دیدگاه خوش‌بینانه نسبت به امکان تداوم روند سابق صلح

صاحبان این دیدگاه مبتنی بر تحلیلی که خواهیم گفت معتقدند وضعیت فعلی روند

صلح گذراست و در آینده‌ای نه چندان دور، روند صلح با برخی تغییرات و اصلاحات مبتنی بر حفظ نقطه‌نظرهای دولت فعلی اسرائیل اما در مجموع با پذیرش فرمول محوری مذاکرات یعنی صلح در برابر زمین از جانب اسرائیل در مسیر سابق قرار می‌گیرد و تداوم خواهد یافت. از نظر اینان دولت نتانیاهو در تداوم اجرای سیاستهای پیشگفته خود در وضعیت فعلی با مشکلاتی در ابعاد داخلی - منطقه‌ای و بین‌المللی روبروست.

#### الف - بعد داخلی

در این زمینه نکته حائز اهمیت این است که اگر چه اقلیت تندرو در داخل اسرائیل اساساً با روند صلح فعلی مخالف است اما مطابق نتایج نظر سنجیهای مختلف بیش از دو سوم یهودیان اسرائیلی خواهان خاتمه کشمکش با اعراب و فلسطینی‌ها در چهارچوب اعطای حداقل حقوق ممکن به طرف عربی و در عوض تثبیت موجودیت رژیم صهیونیستی و ایجاد امنیت لازم برای ساکنان اسرائیل هستند.

از همین جهت رأی حدود ۵۰ درصد مردم اسرائیل به نتانیاهو در انتخابات اخیر بیش اینکه ناشی از مخالفت آنان با صلح باشد، ناشی از نگرانیهای امنیتی آنان (که در اثر انجام موج عملیاتیهای شهادت‌طلبانه نیروهای مقاومت فلسطین و لبنان تشدید شده می‌باشد). اما با ناکامی نتانیاهو در ایجاد امنیت برای مردم اسرائیل، که در انتفاضه اخیر مردمی با کشته شدن چندین سرباز رژیم صهیونیستی بروز یافت، بستر داخلی اسرائیل آماده ایجاد حداقل تعدیل لازم در سیاستهای دولت فعلی و بازگشت به فرمول محوری روند صلح یعنی مبادله زمین در برابر صلح است.

#### ب - بعد منطقه‌ای

سیاستهای چندماهه اخیر دولت اسرائیل، جناحهای سه‌گانه عربی محافظه‌کار میانه‌رو و تندروی عربی را عملاً در یک جبهه در کنار هم قرار داد، است. چنین تحولی موجب بروز تشنج در روابط دو کشور اصلی طرف صلح با اسرائیل یعنی مصر و اردن گردید و این دو کشور را خواه به اختیار و خواه به اجبار به محور سوریه نزدیک‌تر کرد. ضمن اینکه طرف فلسطینی نیز با وضعیت جدید، چاره‌ای جز نزدیکی به طرف سوری نمی‌دید. به نظر می‌رسد مجموعه شرایط منطقه و خواسته‌های زیاده‌خواهانه طرف اسرائیلی به گونه‌ای است که نه تنها در سطح مردمی و حزبی بلکه در سطوح رسمی و

دولتهای عربی نیز، حتی نزدیکترین رهبران عرب به محور سازش چاره‌ای جز مخالفت با این سیاستها را در مقابل خود نمی‌بینند. از همین رو طرف عربی تا پیش از حداقل تعدیل در مواضع طرف اسرائیلی حتی اگر بخواهد، قادر به عقب‌نشینی از مواضع حداقل خود نیست. از همین رو تنها راه بروز تحول در روند صلح از بعد منطقه‌ای نیز بروزگونه‌ای تعدیل در مواضع افراتی طرف اسرائیلی و عدول از مواضع توسعه طلبانه است.

#### ج - بعد بین‌المللی

خواسته تمامی قدرتهای بین‌المللی از جمله آمریکا در وضعیت جدید نظام بین‌المللی پایان منازعه اعراب و اسرائیل با تضمین تثبیت رژیم صهیونیستی است. بدیهی است که سیاستهای دولت فعلی اسرائیل عملاً امکان حل حتی صوری این منازعه را منتفی می‌کند و از همین رو انتظار می‌رود علاوه بر تحرکات طرفهای اروپایی مانند فرانسه در مخالفت با مواضع فعلی دولت اسرائیل، در نهایت، دولت آمریکا با شیوه‌های مقتضی زمینه‌ساز بروز حداقل تغییر در طرف اسرائیلی و پذیرش فرمول صلح در برابر زمین گردد. اگر چنین تحولی اتفاق بیفتد این طرفهای عربی (خصوصاً سوریه و فلسطینی‌ها) هستند که برای اعطای امتیازات لازم از جانب آمریکا و قدرتهای دیگر تحت فشار قرار خواهند گرفت.

#### ۲-۴) دیدگاه غیر خوش بینانه نسبت به امکان تداوم روند سابق صلح

قائلین به این دیدگاه با طرح اماواگرهای بسیار درباره هر یک از سطوح تحلیل فوق (داخلی - منطقه‌ای - بین‌المللی) نتیجه می‌گیرند که روند سابق سازش در وضعیت جدید عملاً نمی‌تواند تداوم یابد.

#### الف - بعد داخلی

از نظر اینان در بعد داخلی سمت و سوی جهتگیری افکار عمومی رژیم صهیونیستی به تدریج گرایش دارد و نتایج اساساً قادر به موضعگیری در برابر این جو عمومی نیست. شاهد این مدعا نتایج انتخابات اخیر و پیروزی حزب تندرو لیکود و همچنین کسب ۲۳ کرسی (از مجموع ۱۲۰ کرسی) کنست توسط احزاب تندرو مذهبی در انتخابات اخیر است.

#### ب - بعد منطقه‌ای:

در بعد منطقه‌ای، اگر چه دولت جدید اسرائیل با مشکلاتی روبرو شده است، اما از



نظر صاحبان این دیدگاه مجموعه شرایط کشورهای عربی و ضعف مفرط قدرت آنان به این کشورها اجازه نمی‌دهد بیش از آنچه تا به حال انجام داده‌اند بتوانند فشاری به اسرائیل وارد کنند؛ افزون بر اینکه با عدم تأثیرگذاری سیاست فعلی کشورهای عربی مبنی بر تعلیق عادی‌سازی روابط با اسرائیل تا هنگام تغییر در سیاستهای این رژیم به مرور کشورهای عربی سیر قبلی روابط دوجانبه با اسرائیل را از سر خواهند گرفت و با این اقدام خود کشورها و طرفهای عربی همجوار اسرائیل خصوصاً سوریه و فلسطینی‌ها را در انزوا و فشار بیشتر قرار خواهند داد. از این دیدگاه کشورهای همانند عمان و قطر پیشتر انجام چنین اقدامی تلقی می‌شوند.

#### ج - بعد بین‌المللی

در بعد بین‌المللی از آنجا که به نظر صاحبان این دیدگاه، قدرتهای اروپایی از جمله فرانسه هنوز توان و قابلیت ایفای نقش مستقل و تأثیرگذاری بر مجموعه روند صلح را دارانیستند و از تنها قدرت بالفعل تأثیرگذار بر روند صلح یعنی آمریکا، نیز با توجه به سابقه تاریخی نقش این کشور در منازعه اعراب و اسرائیل و نفوذ گسترده گروه فشار یهود در آن، انتظاری جز برخی انتقادهای لفظی از سیاستهای فعلی دولت اسرائیل نمی‌توان داشت، عامل بین‌المللی نمی‌تواند به عنوان یک عامل فشار در جهت تغییر سیاستهای اسرائیل ایفای نقش کند. از همین رو و با توجه به تعریف این گروه از تأثیر و نقش دو عامل داخلی و منطقه‌ای می‌توان انتظار داشت که این کشورها و طرفهای عربی روند سازش هستند که باید خود را با تحولات جدید اسرائیل تطبیق دهند.

#### د- جمع‌بندی

به نظر می‌رسد که دلایل هر یک از دو گروه فوق حائز اهمیت و توجه باشد. اگر چه به گونه‌ای مطلق نگری و در نظر گرفتن اهمیت بیش از اندازه و غیر واقعی برای یک یا چند عامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در هر دوی این استدلال‌ها قابل رهیابی و پیگیری است، اما اگر برآیند تحلیل هر دو گروه در نظر گرفته شود حاصل آن این خواهد بود که نه تداوم روند سابق صلح و نه مرگ حتمی آن را می‌توان در آینده قابل دستیابی دانست زیرا نه سیاست خاورمیانه‌ای اصلی‌ترین قدرت جهانی تأثیرگذار بر تحولات خاورمیانه و روند صلح (آمریکا) که مبتنی بر ضرورت پایان منازعه عربی - اسرائیلی براساس اصل

صلح در برابر زمین بنا نهاده شده است یا تغییرات فعلی در محیط داخلی یکی از طرفین منازعه (یعنی اسرائیل) به کناری نهاده خواهد شد و نه می‌توان از آمریکا انتظار داشت که با فشارهای پیاپی دولت فعلی تندرو اسرائیل را موافق با روند سابق صلح سازد. منطقی‌ترین است که بگوییم روند سابق صلح در کوتاه مدت اگر چه از بین نخواهد رفت اما از سرعت آن به صورت جدی کاسته خواهد شد؛ به عبارت دیگر می‌توان انتظار داشت که در چند سال آینده روند صلح به آرامی و به گونه‌ای که شائبه مرگ آن پیش نیاید ادامه خواهد یافت تا آن هنگام که مجموعه اوضاع منطقه‌ای و بین‌المللی با تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی اسرائیل در انتخابات آینده (سال ۲۰۰۰) و یا انتخاباتی زود هنگام روند صلح را در مسیری دیگر قرار دهد.

در چارچوب نظریه دوم پیشگفته این جمع‌بندی و با فرض اینکه به دلیل مجموعه اوضاع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دولت فعلی اسرائیل هیچ‌گام جدی در اجرای روند سابق صلح برندارد، می‌توان پیش‌بینی کرد این رژیم برای انتقال کانون بحران از موضوع منازعه اعراب و اسرائیل به موضوعات جدید در صدد اجرای راهکارهای زیر بر آید که لازم است تمامی تدابیر ممکن در جهت خنثی‌سازی این تحرکات اتخاذ گردد.

#### برخی از این راهکارها عبارتند از

۱- خلق و تشدید بحرانهای جدید منطقه‌ای از یک سو میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس (از جمله بحرین و قطر) و همچنین میان دیگر کشورهای عربی (از جمله مصر و سودان) و از سوی دیگر میان کشورهای عربی و جمهوری اسلامی ایران (از جمله مسأله جزایر سه گانه و اختلاف ایران و امارات).

۲- تلاش در جهت تقویت پیوندهای منطقه‌ای ایجاد شده با ترکیه و اردن خصوصاً برای رویارویی با موقعیت و نقش سوریه و مصر در اوضاع فعلی و در مسیر روابط عربی اسرائیلی.

به نظر می‌رسد در جهت رویارویی با این راهکارهای احتمالی اسرائیل برای تغییر توجه و اهتمام کشورهای منطقه و جهان از موضوع صلح خاورمیانه به موضوعات جدید خصوصاً اختلافات عربی - ایرانی می‌باید با بررسی دقیق وضعیت جدید منطقه تلاش

برای کاستن از حجم و تأثیر اختلافات موجود و محتمل فعلی و آینده ایران با کشورهای عرب خصوصاً کشورهای خلیج فارس در اولویت سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. در همین راستا می‌باید از توان ممکن در رابطه با تمامی کشورهای منطقه و از جمله عراق، عربستان و کویت به گونه‌ای که بیشترین بهره در رویارویی با طرح‌های رژیم صهیونیستی از آن حاصل شود، استفاده کرد.

### «روز شمار روند روابط اعراب و اسرائیل»

- پایان قیمومت انگلستان بر فلسطین و اعلام تأسیس اسرائیل (۱۴ مه ۱۹۴۸)
- نخستین جنگ اسرائیل و کشورهای عربی (۱۵ مه لغایت ژوئیه ۱۹۴۹)
- قراردادهای آتش‌بس میان اسرائیل، مصر، اردن، سوریه و لبنان (۱۹۴۹)
- دومین جنگ اسرائیل و کشورهای عربی با تهاجم اسرائیل به کانال سوئز (۲۹ اکتبر ۱۹۵۶)
- سومین جنگ اسرائیل و کشورهای عربی و اشغال کرانه باختری، نوار غزه، جولان و سینا توسط اسرائیل (ژوئن ۱۹۶۷)
- چهارمین جنگ اسرائیل و کشورهای عربی با حمله مصر و سوریه به اسرائیل جهت بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی (۱۹۷۳)
- توافق ترک محاصره میان مصر و اسرائیل (ژانویه ۱۹۷۴)
- توافق ترک محاصره میان سوریه و اسرائیل (مه ۱۹۷۴)
- توافق کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل (سپتامبر ۱۹۷۸)
- پیمان صلح مصر و اسرائیل (مارس ۱۹۷۹)
- معاهده تجاری اسرائیل و مصر (مه ۱۹۸۰)
- بمباران راکتور اتمی عراق توسط اسرائیل (۱۹۸۱)
- تهاجم اسرائیل به لبنان (۱۹۸۲)
- تکمیل عقب‌نشینی اسرائیل از سینا (۱۹۸۲)
- آغاز انتقال فلسطینی‌ها بر علیه رژیم صهیونیستی در کرانه باختری و نوار غزه دهه ۹۰ (۱۹۸۷).
- حملات موشکی عراق به اسرائیل به‌نگام جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۱)
- کنفرانس صلح خاورمیانه (اکتبر ۱۹۹۱)
- امضای اعلامیه اصول میان فلسطینی‌ها و اسرائیل در واشنگتن (توافق اسلو ۱ ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳)

- توافقنامه قاهره میان اسر ائیل و فلسطینی‌ها (غزه-اریحا/۴مه ۱۹۹۴) (۲۵ ژوئیه ۱۹۹۴)
- پیمان صلح اردن و اسرائیل (۲۶ اکتبر ۱۹۹۴)
- توافق اسرائیل و مراکش جهت گشایش دفاتر حفاظت منابع (سپتامبر ۱۹۹۴)
- توافق اسرائیل و تونس جهت گشایش دفاتر حفاظت منابع (اکتبر ۱۹۹۴)
- نخستین اجلاس کنفرانس اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا با حضور کشورهای عربی و اسرائیل (دارالبیضاء - مراکش / ۳۰ اکتبر لغایت ۱ نوامبر ۱۹۹۴)
- اعطاء جایزه صلح نوبل به رابین، پرز، عرفات (۱۰ دسامبر ۱۹۹۴)
- توافقنامه موقت میان فلسطینی‌ها و اسر ائیل جهت گسترش خودگردانی (۱۳۲۸ سپتامبر ۱۹۹۵)
- توافق اسرائیل و عمان جهت تبادل نمایندگی‌های تجاری (۱۱ اکتبر ۱۹۹۵)
- برگزاری دومین اجلاس کنفرانس اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا (امان - اردن/ ۲۹ لغایت ۳۱ اکتبر ۱۹۹۵)
- ترور اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل توسط یک یهودی افراطی (۵ نوامبر ۱۹۹۵)
- توافق اسرائیل و قطر جهت تبادل نمایندگی‌های تجاری (اوایل ۱۹۹۶)
- سلسله عملیات شهادت طلبانه بر علیه اسرائیل توسط فلسطینی‌ها (۲۵ و ۲۶ فوریه/ ۳ و ۴ مارس ۱۹۹۶)
- اجلاس سران و سازندگان صلح «با حضور کشورهای عربی و اسرائیل، هفت کشور صنعتی، روسیه، ترکیه و ... (۲۷ کشور) جهت مبارزه با تروریسم (۱۳ مارس ۱۹۹۶ / شرم الشيخ - مصر)
- انتخابات پارلمانی و نخست‌وزیری اسرائیل و پیروزی بنیامین نتانیاهو رهبر حزب لیکود بر شیمون پرز (با کسب ۲۳/۱۰/۱۵۰ رأی در برابر ۱/۴۷۱/۵۶۶ رأی شیمون پرز ( ۲۹ مه ۱۹۹۶)
- مصوبه کابینه رژیم صهیونیستی جهت بازگشایی تونل تحتانی مسجدالاقصی که به انتفاضه فلسطینی‌ها و شهادت بیش از ۸۰ فلسطینی منجر شد. (۲۴ سپتامبر ۱۹۹۶)
- برگزاری سومین اجلاس کنفرانس اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا (قاهره - مصر/ ۱۳ لغایت ۱۵ نوامبر ۱۹۹۶)
- توافقنامه ویژه الخلیل میان اسرائیل و حکومت خودگردان فلسطینی (۱۵ ژانویه ۱۹۹۷)
- مصوبه کابینه رژیم صهیونیستی جهت ساخت ۶۵۰۰ واحد مسکونی جدید برای یهودیان در کوه ابو غنیم واقع در شرق بیت المقدس (۲۶ فوریه ۱۹۹۷)
- حکومت خودگردان فلسطین در واکنش به مصوبه فوق کلیه مذاکرات خود با اسرائیل را متوقف نمود.